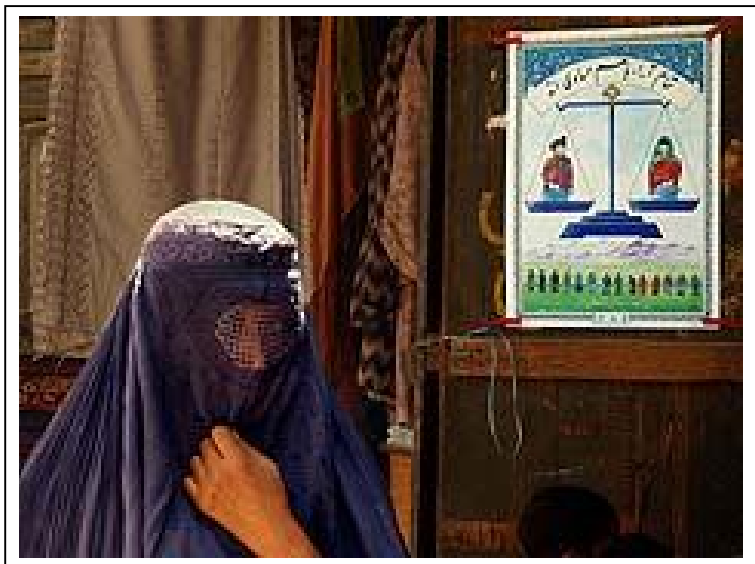


حامد کرزاي و ديگر جنگ سالاران افغانستان و طالبان: دليل عقب افتادن انتخابات افغانستان

این مقاله برگرفته از مقاله ایست که ماه پیش در سرویس خبری جهانی برای فتح منتشر شد و نشان می دهد که آمریکا برای پیش برد طرح های خود در افغانستان به کدام نیروهای سیاسی این کشور تکیه می کند. اوضاع افغانستان و رژیمي که آمریکا از طریق بهم جوش دادن تبهکارترین نیروهای سیاسی آن کشور شکل می دهد حاوی درسهای عبرت انگیز برای کسانی است که فکر می کنند جورج بوش می خواهد برای مردم خاورمیانه آزادی بیاورد.

انتخابات مجلس افغانستان چند بار به تعویق افتاد. حامد کرزاي و اربابان آمریکائی اش بیانیه های متناقضی در مورد علت این تعویق ها منتشر کردند. علت واقعی چیست؟ آمریکا اهمیت فوق العاده ای به برگزاری انتخابات در عراق اشغالی، و تاکنون، در افغانستان اشغالی داده است. آنچه که آمریکا در کشورهای تحت سلطه خود دموکراسی مینامد عبارتست از انتخابات "چند - حزبی". برای آمریکا مهم نیست که این "چند حزب" تماما جنایتکارانی هستند که سالها بر مردم افغانستان یک زندگی جهنمی را تحمیل کرده اند و الان هم همه شان نوکران دست به سینه آمریکا می باشند. در واقع مرتجع بودن و نوکر آمریکا بودن برخی از پیش شرطهای آمریکا برای "مشروع" بحساب آوردن این احزاب است. انتخابات آزاد برای آمریکا این است که احزابی که این "صلاحیت" ها را دارند در انتخابات شرکت کرده و برنده شوند. می بینیم که اصلا فرقی با "شورای نگهبان" در جمهوری اسلامی ندارد.

سال گذشته در جریان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان مقیاس تقلب فضاحت بار بود و حامد کرزاي که رئیس جمهوری منتصب آمریکا است پیروز شد. با هر معیاری که بخواهیم قضاوت کنیم انتخابات های آمریکائی در افغانستان کاریکاتوری از انتخابات هستند. اما مسئله مهم تر آن است که در افغانستان تحت اشغال آمریکا وضع مردم افغانستان بهتر نشده است. بارزترین نمونه آن وضعیت زنان است. تحت فشارهای عظیم دولتی و اجتماعی، زنان



درون خانه و تحت سلطه مرد مانده و از حیات اجتماعی و سیاسی بیرون رانده می شوند. گزارشات اخیر نشان میدهند که خودکشی زنان کماکان رایج است. طی چند ماه گذشته، حداقل 52 زن در استان هرات خود را آتش زدند. اغلب خودسوزی ها بدلیل فرار از ازدواج های اهانت بار بود. دکترها و مقامات افغانی میگویند 184 زنی که طی سال گذشته به بیمارستان منطقه ای هرات آورده شدند، خود سوزی

کرده بودند و بیش از 60 تن آنان فوت کردند. رقم واقعی خود کشی و اقدام به خودکشی بیشتر از آمار ثبتی است. دو مورد تازه از اعدام زنان بوسیله سنگسار (بخاطر "زنا") رو شده است. آخرین مورد زنی است به نام امینه، 29 ساله، از استان بدخشان در شمال شرقی افغانستان. فروش زنان و دختران جوان در حال افزایش است. این جنایات نشانه آن است که تحت اشغال آمریکا مناسبات فتودالی به قوت خود باقی است. اینها داغ و نشان های "دمکراسی" به سبک آمریکائی در کشورهای خاورمیانه است که سخاوتمندانه از سوی آمریکا به مردم افغانستان اهدا شده است.

دلیل رسمی ارائه شده از طرف دولت در مورد تاخیر در انتخابات مجلس این بود که مشکلات "امنیتی" برای اجرای انتخابات موجود است. اما اینها دروغی بیش نیست. واقعیت اینست که تعویق در انتخابات برای جلب نظر و اتحاد طالبان بود. طالبان که نخستین بار با پشتیبانی آمریکا در دهه 1990 به قدرت رسیدند پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال 2002 کنار زده شدند. الان آمریکا دوباره می خواهد با آنها به توافق برسد. 26 مارس، کابل آنلاین گزارش کرد، "با توجه به آنکه به رهبران معتدل طالبان اجازه رقابت در انتخابات مجلس در افغانستان داده خواهد شد، پرزیدنت کرزای گفته است بزودی بعضی از آنها را برای مذاکره بوسیله ظاهر شاه دعوت خواهد کرد." در واقع، این نخستین باری نیست که کرزای برای انجام این معامله تلاش کرده است. اما در اوائل ماه آپریل این پیشنهاد را به رهبران ارشد طالبان مانند ملا عمر و رئیس حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نیز داد. (حکمتیار بنیادگرای رسوائی است که بیش از نیمی از پول و سلاحهای کمکی آمریکا به مجاهدان افغان را در جریان جنگ این مجاهدین اسلامی با نیروهای اشغالگر شوروی دریافت می کرد.)

در پس حرف های کرزای در مورد بهبود "امنیت" یک برنامه سیاسی دیگر نیز هست. از هنگام اشغال افغانستان تا کنون، بین نیروهای افغانستانی که با آمریکا در بیرون راندن طالبان و اشغال افغانستان همدستی کردند، جنگ قدرت در جریان است. کرزای سوگلی غرب و آمریکا بود. در خلال سه سال گذشته کرزای سعی کرد دیگر جنگ سالاران قدرتمند افغانستان را زیر کنترل خود و رهبری آمریکا بکشد یا اینکه کلاً از قدرت بیرونشان کند. حال که رسماً رئیس جمهور منتخب افغانستان شده می خواهد قدرت دیگر جنگ سالاران را در مجلس کاهش دهد و قدرت خود را افزایش دهد. تا کنون برخی از جنگ سالاران را مجبور کرده که به سلطه اش گردن بگذارند. بعنوان مثال، بعد از یک دوره برخورد مسلحانه، کرزای، اسماعیل خان هرات را مجبور کرد که دست از مقامش بعنوان فرماندار استان هرات بردارد و بجای آن شغل وزیری را قبول کند.

کرزای از نزدیکی با طالبان دو هدف دارد: یکم می خواهد از طالبان بعنوان چماقی برای روی خط آوردن رقبای خود یعنی جنگ سالاران دیگر، استفاده کند. دوم، واقعا می خواهد طالبان را بدرون حکومت بیاورد. علیرغم جنگی که بین دولت کرزای و طالبان درگیر است، ورود برخی از نیروهای طالبان بدرون رژیم کرزای با سرعت در جریان است. یک دلیلش آن است که بین رژیم کرزای و طالبان تفاوت بنیادی وجود ندارد. هر دو به منافع ملاکان مرتجع، جنگ سالاران، رؤسای قبایل و امپریالیسم، خدمت میکنند. آمریکا هرگز در این زمینه مخالفتی با طالبان نداشته، بلکه تنها مخالف اتحاد آنها با القاعده بود. درست قبل از 11 سپتامبر 2001، آمریکا به حکومت طالبان 400 میلیون دلار داد تا حاکمیت ستمگرانه اش را تقویت کند و ثبات بیابد تا

شرکت نفتی امریکائی یونیکال بتواند خط لوله ای را از آسیای مرکزی از طریق افغانستان به اقیانوس هند بکشد. در رابطه با این نکته در حال حاضر، رژیم کرزای منافع تمام مرتجعین عمده افغانستان منجمله طالبان و حکمتیار، و منافع امریکائی های اشغالگر را بیان می کند. مقاله ای در هفته نامه /مید نوشته است: تنها فرق بین رژیم کرزای و طالبان اینست که او از طالبان میخواهد "معتدل" شوند - یعنی عمامه و پیژامه را با کت وشلوار و کراوات عوض کند!

حزب کمونیست ایران (م ل م)

